

دكتور مراديان، خانم ها و آقايمان،

روز شما بخير، براي شما آرزوي يك كنفرانس موفقيت آميز را مي نمايم. اميدوارم نتايج مباحث و گفتگوهاي شما در اين كنفرانس، در طرح هاي پاليسي سازان منطقه ما بسود مردمان كشور هاي آسياي ميانه، براي داشتن يك منطقه با ثبات و مبتني بر همكاري و همگرابي باز تاب شايسته را ييابد.

در آغاز مي خواهيم از دكتور مراديان و همكاران ايشان، به دليل اهميتي كه به مباحث همگرابي منطقه اي و تقويت گفتمان هاي مربوط مي دهند، سپاسگزاري نمايم.

خانم ها و آقايمان،

مسئوليت در حكومت موجب گرديد تا من بتوانم، بيشتر از گذشته كه در آن برداشت هاييم مبتني بودند بر داده هاي تيوريك، به مسايل سياست بين المللي و منطقه اي آشنا گردم. تنگناهاي، عملي، ميراث هاي مانده از دوران استعمار، فقر و عقب ماندگي و بحران هاي دولت هاي پسا استعمار و عوامل ديگر، بر سياستگذاري ها و رويكرد هاي سياسي در جهان ما و بخصوص منطقه ما كماكان مؤثر اند. با تأسف بايد بگويم كه هنوز هم نظام منطقه اي ما از عوامل مخالف و مغاير همكاري هاي منطقه اي بخصوص در حوزه امنيتي متأثر مي باشد. اين عوامل از جاني از واقعيتهاي متنازع موجود، پسا استعمار و از جانب ديگر، هم از رويكرد ها و اقدامات يك جانبه برخي از دولت ها و نهاد هاي دولتي برخي از كشور ها به منظور تحقق هژموني شان، ناشي مي شود. حساسگري هاي هژمونيستي در منطقه و استفاده از تروريسم بعنوان ابزار مداخله در امور كشور هاي ديگر موجب تداوم گسست و کاهش در همگرابي هاي منطقه اي مي شود.

با تأسف كه ما، با پايان جنگ سرد و زوال جهان رقابت هاي ايدئولوژيك فرصت هاي يك آغاز نوين در سياست بين المللي و منطقه اي را كمك كم از دست مي دهيم.

واقعيته افغانستان و كشور هاي آسياي ميانه نشان مي دهد كه منطقه ما سرشار از مشتركاتي است كه ما مي توانيم آن ها را بسود رفاه و عدالت پايدار براي مردم خود و نابودي تهديد هاي امنيتي مورد استفاده قرار دهيم.

افغانستان با تمام كشور هاي آسياي ميانه داراي مشتركات تاريخي، فرهنگي، مردمی و جغرافيايي مي باشد. بيشتر كشور هاي منطقه ما، كشور هاي محاط به خشكه مي باشند. منطقه ما داراي مردمان جوان، مواد خام داراي اهميت استراتژيك و توان بي مانند رشد اقتصادي مي باشد. منابع بزرگ انرژي و مواد معدني داراي اهميت استراتژيك براي صنايع معاصر در حوزه ما نهفته اند. نياز بمبرم كشور هاي نزديك به ما و كشور هاي صنعتي به اين منابع نيز يك واقعيته ديگر است.

دسترسي به امنيت پايدار تنها با توسل به جنگ و استفاده از نيروي نظامي ممكن نيست. ما راه ديگري بجز تدوين و عملي كردن يك استراتژي همگرابي منطقه اي براي تحقق رفاه و عدالت در كشور هاي خود نداريم. چالش هاي موجود اقتصادي، اجتماعي و بيشتر از آن امنيتي در منطقه ما، ايجاد يك پاسخ، مبتني بر همكاري همه جانبه را مي نمايد. به دليل اينكه اقدامات آني و روزمره به تنهائي پاسخ گوي چالش هاي امنيتي، اقتصادي، اجتماعي و امنيتي نمي باشند، ايجاد مي كند تا ما سياست هاي ي خود را در زمينه هاي ياد شده نيز، قدم به قدم منطقه اي بسازيم. ديناميسم، بي امنيتي، چه افراط گرابي و چه جدائي طلبي و يا هر عامل ديگر آن را، مي شود با سياست نظامند سازي و نهادينه كردن همگرابي منطقه اي پاسخ گفت. تنها از اين طريق است كه ما ميتوانيم از تداوم سياست هاي دوران جنگ سرد و مهندسي هاي پسا استعماري خود را نجات دهيم و به فاعل و مجري سياست هاي مربوط به خود ارتقا يابيم. چنين رويكردی موجب خواهد شد تا سهم ما در ثبات و امنيت جهاني نيز از حالت گيرنده غير فعال به عامل مؤثر ارتقا يابد.

بيشتر كشور هاي آسياي ميانه در معرض تهديد مستقيم و يا غير مستقيم تروريسم قرار دارند. اين تروريسم، چه از لحاظ برخاستگاه و چه از لحاظ رويكرد ايدئولوژيك، در تمام كشور هاي منطقه ما همساني هاي چشمگيري دارد. پيروزي پايدار بر تروريسم، و عوامل بي امنيتي تنها كار يك كشور در منطقه ما و يا اينكه تنها از طريق پيروزي نظامي ممكن نخواهد بود.

با وجود تلاش ها و قرباني هاي فراوان افغانستان و جامعه جهاني، متأسفانه كه منطقه ما هنوز هم در معرض تهديد جدي تروريسم و تهديد هاي افراطيون قرار دارد. ما همه مي دانيم كه امنيت پايدار، بدون امنيت اجتماعي و اقتصادي ممكن نخواهد بود. بدون شك كه تحقق امنيت اقتصادي و اجتماعي در منطقه آسياي ميانه در گرو همگرابي منطقه است. پرسش اساسي اين است كه آيا مجريان سياست هاي منطقه اي و ساختار هاي سياسي ما در آن حد از آمادگي و توانايي قرار گرفته اند كه بتوانند، آرمان همگرابي منطقه اي را، وراي گرايش هاي ايدئولوژيك و رويكرد هاي تنگ ناسيوناليسيستي، در عمل پياده كنند؟

من در سال های اخیر شاهد نشست های گوناگون میان نمایندگان دولت ها و نهاد های اکادمیک و جامعه مدنی در رابطه با همکاری های منطقه ای بوده ام. با تأسف باید بگویم که در واقعیت همگرایی منطقه ای در حوزه ما، با وجود اینکه یک تعداد سازمان های منطقه ای میان دولت ها ایجاد شده اند، دگرگونی چشم گیری رونما نگردیده است. یک سیاست معنی دار منطقه ای به باور من، ایجاب می کند تا اقدامات ما در عرصه های امنیتی، اقتصادی، ترانزیتی، سرمایه گذاری، تأمین انرژی، مبارزه با جرایم سازمان یافته، بشمول مبارزه با مواد مخدر، همآهنگ و همسو گردیده و در نهایت توسط تصامیم جمعی و اتخاذ سیاست های متناسب اجرایی گردند. چنین هماهنگی و همکاری ایجاب می کند تا نه تنها ارگان های منطقه ای، دوجانبه بلکه نهاد های اکادمیک و جامعه مدنی کشور های منطقه نیز با یکدیگر همکاری نمایند.

خانم ها و آقایان،

احداث شبکه های انتقال انرژی از آسیای میانه به آسیای جنوبی، مانند پروژه کاسا 1000، احداث شبکه های راه آهن از تاجیکستان به افغانستان، ترکمنستان، تمدید راه آهن آمده از ازبکستان و وصل آن به شبکه های پاکستان و ایران همه فرصت های اند که موجب گسترش پیوند های بیشتر کشور های ما و وصل منطقه محاط به خشکه ما به تأسیسات بندری خلیج فارس و بحر هند می شود.

کشور های ما همه مسیر های اصلی جاده ابریشم در گذشته بوده اند. وصل مواصلاتی و ترانزیتی این منطقه با احیای جاده ابریشم، از جمهوری مردم تا چین تا قلب اروپا، زیر عنوان "جاده ابریشم نوین" در واقعیت یک اقدام بزرگ تاریخی برای احیای اهمیت سرزمین های در مبادلات اقتصادی جهان ما می باشد.

تقویت وابستگی های بیشتر اقتصادی، از طریق، توسعه ترانزیت، تجارت، تقویت بیشتر پیوند های فرهنگی و همگرایی ساختاری بدون شک که زمینه توسعه و تعمیق همکاری را در منطقه ما گسترش داده و بگونه اجتناب ناپذیری زمینه ساز مسؤلیت پذیری بیشتر در منطقه ما میشود.

به امید نزدیکی بیشتر کشور های ما، برای شما کار و بحث های پربار آرزو می کنم.

از اینکه به من فرصت صحبت داده شد، یک بار دیگر سپاسگزاری می کنم.